

بررسی انتقادی تذکره شرعی و تبیین اهمیت آن در تاریخ

ادب فارسی در ماوراءالنهر^۱

ابراهیم خدایار^۲

چکیده

عبدالعظیم شرعی (ف ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۴م) نخستین تذکره‌نویس محیط ادبی بخارا است که در نیمه دوم سده نوزدهم با الهام از واضح بخارایی، دیگر هم‌تبار ایرانی‌نژاد خود، در گسترش و رونق ژانر تذکره‌نویسی در محیط ادبی ماوراءالنهر ایفای نقش کرده است. دانش ما در زبان فارسی درباره این تذکره‌نویس و تذکره‌اش بسیار اندک، نادرست و متناقض است. مسئله اساسی این پژوهش بررسی سوانح زندگی شرعی و تحلیل انتقادی تذکره وی است. نگارنده برای تبیین این مسئله با استفاده از روش تحلیل محتوا و دستاوردهای رویکرد ژانری به متن به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش‌های ذیل است: آیا می‌توان به هویت واقعی شرعی دست یافت؟ مهم‌ترین شاخص‌های شرعی برای تدوین تذکره کدام‌اند؟ نتایج تحقیق نشان داد شرعی از ایرانی‌تباران بخارا است که هنوز پس از نزدیک به یک‌ونیم سده از درگذشت وی، هویت واقعی وی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. نگارنده با انتخاب نه شاخص «۱. تخلص؛ ۲. وابستگی‌های نژادی و نسبی؛ ۳. وابستگی‌های فکری و ادبی؛ ۴. زادگاه، تاریخ تولد و فوت؛ ۵. شغل، تحصیلات، استادان، شاگردان و معاصران؛ ۶. آثار شاعران؛ ۷. پیوند با دربار؛ ۸. بوطیقای ذوق تذکره‌نویس؛ و ۹. زبان» اهم معیارهای تذکره‌نویسی مؤلف را تحلیل کرد.

کلمات کلیدی: ایرانی‌تباران، تذکره‌نویسی ادبی فارسی، عبدالعظیم شرعی، ماوراءالنهر

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نگارنده با نام «هفتصد سال تذکره‌نویسی در آسیای مرکزی» است که با پشتیبانی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور در حال اجراست.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، hesam_kh1@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

۱. مقدمه

تذکره‌های ادبی تا پیش از تألیف کتاب‌های تاریخ ادبیات، به‌رغم همه کاستی‌های مندرج در آنها، یکی از مهم‌ترین آثار مستند درباره تاریخ تکامل و تحول ادبیات در فرهنگ ایران و جهان اسلام به‌شمار می‌رفتند. نخستین تذکره‌های فارسی از سوی ادیبان ماوراءالنهری در جغرافیای فارسی‌زبانان در ابتدای سده هفتم هجری *بالباب/الالباب* عوفی بخارایی (تألیف‌شده در ۶۱۸ق) شکل گرفت و تا آغازین سال‌های سده دوازدهم کم‌وبیش با تألیف تذکره‌های دیگر در این منطقه به حیات خود ادامه داد. نگارش این ژانر ادبی مدت‌های مدیدی در این منطقه به فراموشی سپرده شد. احیای ژانر تذکره‌نویسی ادبی فارسی در ماوراءالنهر در نیمه دوم سده سیزدهم هجری / نیمه دوم سده هیجدهم میلادی مدیون قاری رحمت‌الله واضح بخارایی (۱۳۱۱-۱۲۳۳ق) از ایرانی‌تباران بخاراست. وی با تألیف *تحفه الاحباب فی تذکره‌الاصحاب* در ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م پس از یک فترت طولانی نزدیک به دو سده‌ای که تذکره‌نویسی ادبی فارسی پس از *مذکرالاصحاب* (۱۱۰۴ق/۱۶۹۲م) ملیح‌ا سمرقندی (فوت پس از ۱۱۱۲ق) در ماوراءالنهر متوقف شده بود، این ژانر ادبی را در امارت بخارا احیا کرد. حاجی عبدالعظیم شرعی (ف ۱۳۱۱ق/۱۸۹۳م) دیگر عالم، شاعر و تذکره‌نویس ایرانی‌تبار بخارا با تألیف تذکره خود (پس از ۱۳۰۰ق/۱۸۸۴م) این سنت را ادامه داد و باعث رونق آن در محیط ادبی بخارا شد. تذکره‌نویسان سده نوزدهم و اوایل سده بیستم ماوراءالنهر درباره تاریخ تولد، زادگاه، وفات و ملیت شاعر اقوال متفاوت و متناقضی نقل کرده‌اند. این نقل قول‌های متفاوت و متناقض در منابع اخیر در تاجیکستان و ایران نیز گاه تکرار شده است.

۱.۱ بیان مسئله

مسئله اساسی این پژوهش بررسی سوانح زندگی شرعی و تحلیل انتقادی تذکره وی است. نگارنده برای بررسی این مسئله به دنبال یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر است: آیا می‌توان به هویت واقعی عبدالعظیم شرعی دست یافت؟ مهم‌ترین شاخص‌های شرعی برای تدوین تذکره کدام‌اند؟ فرض نگارنده بر این است که شرعی از ایرانی‌تباران

بخارا است که هنوز پس از نزدیک به یک‌ونیم سده از درگذشت وی، هویت واقعی وی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. قضاوت در این باره به دلیل تناقض و اختلاف روایات زندگی وی بسیار دشوار، بلکه ناممکن است. همین‌قدر می‌توان گفت که وی از شیعیان متوطن در بخارا بوده است که مدتی از عمر خود را در هندوستان سپری کرده و در پایان عمر به مناصب دولتی در برخی ولایت‌های امارت بخارا دست یافته است. وی به‌رغم قرار داشتن در گروه عالمان درباری و پذیرش امور دولتی در امارت بخارا، روحیه درباری نداشته و تذکره‌ناتمام وی نخستین تذکره پس از تذکره واضح بخارایی است که می‌توان در آن فارغ از پسند امیر و درباریان امارت بخارا، ذیل نه شاخص «۱» تخلص؛ ۲. وابستگی‌های نژادی و نسبی؛ ۳. وابستگی‌های فکری و ادبی؛ ۴. زادگاه، تاریخ تولد و فوت؛ ۵. شغل، تحصیلات، استادان، شاگردان و معاصران؛ ۶. آثار شاعران؛ ۷. پیوند با دربار؛ ۸. بوطیقای ذوق تذکره‌نویس؛ و ۹. زبان دیدگاه‌های تذکره‌نویس را درباره ده تن از شاعران و عالمان فارسی‌زبان بخارا و محیط‌های مرتبط با آن تحلیل کرد.

۲.۱ پیشینه پژوهش و جنبه نوآوری آن

اقوال متناقض درباره هویت واقعی شرعی درست یکی دو سال پس از درگذشت وی در تذکره‌های تألیف شده در اوایل سده بیستم میلادی در بخارا آغاز شد. حشمت در تذکره ناتمام خود (تألیف شده پس از ۱۳۱۲ق / ۱۸۹۴-۱۸۹۵م) نخستین بار شرح حال وی را ذیل تخلص «سامی»^۱ آورده و نوشته است: «از متوطنین دارالفاخره بوده، اصلش بل با فرع از اهل ایران و از زمره شیعیان است. خود مردی بوده از علوم رسمیه باخبر» (نسخه شماره ۶۱ ابوریحان بیرونی تاشکند، ۱۸۴). تذکره/الشعراى عبدی بخارایی (تألیف شده در ۱۳۲۲ق / ۱۹۰۴م) یازده سال پس از درگذشت شرعی همین روایت از زندگی حشمت را تکرار کرده است. عبدی در تذکره خود او را «فطانت‌آثار، زکات‌شعار، غواص بحار اشعار، صراف مضامین‌الابکار، حاجی عظیم ایرانی» خطاب کرده است (عبدی، ۱۹۸۳: ۱۳۹). روایت «ایرانی» «ایرانی‌نژاد» و «از ایرانیان بخارا» بودن شرعی را که نخست بار در تذکره حشمت و بعدتر در تذکره عبدی آمده، در مجموعه سلیمی بخارایی نیز تکرار شده است: «سامی، تخلص حاجی عظیم ایرانی‌نژاد است»

(سلیمی بخارایی، ۱۳۳۲: ۳۲۱). این روایت در معدود منابع تألیف شده در ایران درباره وی دیده می شود. شکوری بخارایی، مصحح تاجیک روزنامه صدرضیا وی را از ایرانیان بخارا معرفی کرده است (۱۳۸۰: ۳۶۲، تعلیقات مصحح). افضل مخدوم پیرمستی، معاصر عبدی، روایتی جدید در تذکره خود (تألیف شده در ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م) از زندگی وی بر ساخته و او را از مردم بخارا دانسته؛ اما سخنی از تحصیلات وی در پیشاور به میان نیاورده است (افضل، ۱۳۳۶ق: ۶۶). بخش نخست این روایت از زندگی وی (از مردم بخارا بودن) در بسیاری دیگر از منابع تألیف شده در تاجیکستان، افغانستان و ایران تکرار شده است (صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۲۲؛ صدرضیاء، ۱۳۸۲: ۳۶۲، توضیحات مصحح؛ محترم، ۱۹۷۵: ۱۸۸؛ عینی، ۱۹۲۶: ۳۷۳؛ زهیر، ۱۳۵۲: ۸۵؛ گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۳۱۶/۱؛ حبیباف، ۱۹۹۱: ۴۶۷؛ کوتی، ۱۳۸۰: ۱/۲۸۸؛ دادبه و ملا احمد، ۱۳۸۵: ۱۴/۷۲۵). روایت سوم از هویت شرعی مربوط به هادی زاده است. این محقق نخست سال تولد و مکان آن را نامعلوم دانسته است و در ادامه با استناد به تذکره عبدی مبنی بر اینکه شرعی تحصیلات ابتدایی را در پیشاور گذرانده؛ احتمال داده که وی در همین شهر به دنیا آمده باشد (۱۹۶۸: ۴۹). این روایت را مسلمانان قبادیانی (۱۳۸۰: ۱/۵۵۳)، جلیل او (۲۰۰۴: ۳/۳۵۴) و مصححان تذکره شرعی تأیید کرده اند (خواجه او و ایشان قل اف، ۲۰۱۵: ۵، پیشگفتار). در میان هفده منبع در اختیار ما، تنها میرزایف هیچ اشاره ای به هویت شرعی نکرده و از وی با نام «حاجی عبدالعظیم شرعی» یاد کرده است (۱۳۴۵: ۵۵۸).

درباره سال تولد وی هیچ تاریخ دقیقی از سوی هیچ منبعی ذکر نشده است. در مورد سال وفات شرعی در میان کسانی که به سال فوت شاعر اشاره کرده اند نیز تاریخ های ۱۳۰۷ق/۱۸۸۹م (هادی زاده، ۱۹۶۸: ۴۹؛ میرزایف، ۱۳۴۵: ۵۵۸؛ حبیباف، ۱۹۹۱: ۴۶۷)، ۱۳۱۱ق/۱۸۹۳م (صدرضیا، ۱۳۸۲: ۱۲۸-۱۲۹)، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م (عینی، ۱۹۲۶: ۳۷۳؛ گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/۳۱۶؛ حبیباف، ۱۹۹۱: ۴۶۷؛ مسلمانان قبادیانی، ۱۳۸۰: ۱/۴۵۳؛ کوتی، ۱۳۸۰: ۱/۲۸۸؛ جلیل او، ۲۰۰۳: ۳/۳۵۴) و سده سیزدهم (دادبه، ملا احمد، ۱۳۸۵: ۱۴/۷۲۵؛ خواجه او و ایشان قل اف، ۲۰۱۵: ۶، پیشگفتار) دیده می شود. درباره نام اثر شرعی نیز اختلاف اقوال وجود دارد. در میان منابع در اختیار ما نام های تذکره/الشعرا (عبدی، ۱۹۸۳: ۱۳۹؛ صدرضیا، ۱۳۸۰: ۳۱۶، ضمیمه ۲؛ روزنامه، ۱۳۸۲: ۳۶۲، تعلیقات؛ میرزایف، ۱۳۴۵: ۵۵۸)، تذکره ای مشتمل بر طبقات ناس/ طبقات

رؤسا/ طبقات و رؤسای انام (افضل، ۱۳۳۶: ۶۷؛ صدرضیا، ۱۳۸۲: ۳۱۶، ضمیمه ۲؛ محترم، ۱۹۷۵: ۱۸۸)، تذکار جمهور هر طایفه (صدرضیا، ۱۳۸۰: ۱۲۱)، تذکره الفضا (عینی، ۱۹۲۶: ۳۷۳؛ گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۱۶؛ مسلمانان قبادیانی، ۱۳۸۱: ۱/ ۵۵۳؛ کوتی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۸۸؛ صدرضیا، ۱۳۸۲: ۳۶۲، تعلیقات؛ دادبه و ملا احمد، ۱۳۸۵: ۱۴/ ۷۲۵)، تذکره سامی بخارایی (زهیر، ۱۳۵۲: ۸۵) تذکره ناتمام/ تذکره شرعی (هادی زاده، ۱۹۶۸: ۴۸؛ جلیل او، ۲۰۰۴: ۳/ ۳۵۴؛ خواجه او و ایشان قل اف، ۲۰۱۵: ۸-۱۵، پیشگفتار) دیده می شود. آخرین تحلیل مفصل و البته نه چندان دقیق مربوط به پیشگفتار مصححان تذکره شرعی است که در ۲۰۱۵م در خجند تاجیکستان تدوین و منتشر شده است (خواجه او و ایشان قل اف، ۲۰۱۵: ۴-۲۱، پیشگفتار). آنچه در ادامه جستار خواهد آمد با نگاه انتقادی سوانح زندگی شرعی تحلیل و در نهایت مهم ترین شاخص های تذکره نویسی وی تبیین خواهد شد. بخش اخیر در هیچ یک از منابع ما نیامده است و از تازگی خاص خود برخوردار است.

۲. بحث و بررسی

۲.۱ درباره تذکره نویسی

حاجی عبدالعظیم شرعی (ف ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۴م) عالم، شاعر و تذکره نویسی ایرانی تبار بخارا است. هادی زاده مکان و زمان تولد شرعی را در اوایل سال های سی ام سده نوزدهم در پیشاور پاکستان حدس زده است (۱۹۶۸: ۴۸). از آنجاکه هیچ منبعی به شکل مستند در این باره سخن نگفته است، ما نمی توانیم مکان تولد وی را به طور قطع و یقین مشخص کنیم. در تنها اثر شرعی، یعنی تذکره ناتمام مؤلف نیز هیچ سخنی درباره سرگذشت تذکره نویسی نیامده است. از گزارش صدرضیا در شرح حال شرعی در تذکار شعار که وی را به هنگام تألیف تذکره (۱۳۲۴-۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۵-۱۹۰۷م) «فقیه کهن سال» خطاب کرده، می توان حدس هادی زاده را در مورد تولد شرعی در یکی از آغازین سال های سی ام سده نوزدهم میلادی [برابر با سال های چهلم نیمه نخست سده سیزدهم] پذیرفت (همان جا). این سال را مصححان تذکره شرعی هم پذیرفته اند (خواجه او و ایشان قل اف، ۲۰۱۵: ۴، پیشگفتار). عبدی در تذکره خود نوشته است که شرعی بیشتر تحصیلات ابتدایی را در پیشاور [پاکستان] گذرانده و سپس برای

ادامه علم‌آموزی به بخارا آمده است (عبدی، ۱۹۸۳: ۱۳۹). بنابر نقل همین تذکره‌نویس، شرعی در اواخر عمر به سمت ریاست^۲ ولایت ینگگی‌قورغان^۳ منصوب و در همین شهر فوت کرده است. به گفته عبدی وی به‌رغم «بسیار سخن‌شناس و معنی‌رس» بودن، به دلیل در پیش گرفتن شیوه «تعصب و هجا» در تذکره‌الشعرایی که متصدی آن شده، آماج ملامت واقع و تذکره‌اش «از ذکر و خاطرها فراموش» گردیده است (عبدی، ۱۹۸۳: ۱۴۰-۱۳۹). تذکره‌نویس در پایان درباره شرعی نوشته است: «حاصل مومی‌الیه مردی فاضل و زکی است. آن قدح و ردی که از او صادر است، آن هم از حدتِ ذهن و امتیاز اوست» (همان: ۱۴۰).

صدرضیاء در تذکار/شعار و روزنامه درباره این شاعر آگاهی‌های به‌نسبت دقیق‌تری داده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان با تکیه بر اطلاعات این دو اثر، برخی از سوانح زندگی وی را بازسازی کرد. صدرضیاء در تذکار/شعار وی را «فقیه کهن‌سال»، «فاضل»، در نزد شیعیان بخارا [باهره] روشن و تابناک» دانسته؛ پس از بیان رابطه تیره وی و احمد دانش با یادکرد قطعه‌ای از دانش در هجو تذکره و تذکره‌نویس، شرعی را «به هر حال مردِ نکوگوی، وضع، خلیق و نکوخوی» معرفی کرده که برخی از بخاراییان همچون دانش حضور وی را خوش نمی‌داشتند. صدرضیاء در دست‌نوشته فضلالی متأخرین (ن‌ش ۲۱۹۳، ورق ۳۳۴) شرایط اجتماعی این «فاضل حکیم و صاحب طبع سلیم» را در بخارا این‌گونه توصیف کرده است: «جمعی مخلص [هواخواه و دوستدار] او بودند و در کمالات می‌ستودند، فوجی منکر اویند [و] به فضایح منسوب می‌دارند» (۱۳۸۰: ۳۱۶). براساس سروده صدرضیاء وی از دانش‌های حدیث، تفسیر و علوم غریبه باخبر بوده و در بدو حال به هندوستان سفر کرده و پس از بازگشت به بخارا و ختم تحصیل، در ارک امارت به «صحیح‌خوانی»^۴ مشغول شده است. بر همین اساس، شرعی به فرمان امیر مظفر (حک. ۱۸۶۰-۱۸۸۵م) به سمت محتسب (رئیس) ولایت ینگگی‌قوغان منتصب شده و در همین ایام فوت کرده است. صدرضیاء در این ایام قاضی همین ولایت بوده و به قول خودش «مرا بود زیبا انیس و جلیس» (صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۲۲). به‌نظر می‌رسد ذکر نام امیر مظفر در این روایت نادرست باشد؛ چراکه در تمام منابع، امیری که شرعی را به سمت ریاست دارالاحتمساب ینگگی‌قورغان انتخاب کرده بود، امیر عبدالاحد بوده است نه امیر مظفر. حتی صدرضیاء در روزنامه با دقت بیشتری به این موضوع اشاره کرده است: «در نوزدهم ربیع‌الثانی در سنه یکهزار و سیصد و یازده [برابر با ۸

آبان ۱۲۷۲ش / ۳۰ اکتبر ۱۸۹۳م] روز یکشنبه نصیبه آب و نان از آن تومان [خیرآباد] منقطع به ولایت ینگی قورغان متعلق گشته به خواهش یزدانی و مرحمت خاقانی معنأ تنزل و لفظاً ترقی نموده. در اوایل حال چندی همراه حاجی عظیم نام، شرعی تخلص، که به ریاست ولایت مذکور مأمور، به اکثر کمالات رسمیه موصوف... از شر افترا بندیش همه دم خایف، به اندک فرصت آن بیچاره از دست ساقی اجل، جام فنا نوشیده... مطلع دیوان عمرش به مقطع انجامید» (صدرضیاء، ۱۳۸۲: ۱۲۸-۱۲۹).

بنابراین امیر مظفر نمی توانسته وی را به سمتی منصوب کند؛ چراکه در سال ۱۳۰۳ق/۱۸۸۵م فوت کرده بود. همان گونه که دیده می شود، در این عبارت علاوه بر مکان^۵، سال فوت شاعر نیز به دقت نشان داده شده است.^۶ محترم سال فوت شاعر را ۱۳۰۷ق [برابر با ۱۸۸۹/۱۸۹۰م] (۱۹۷۵: ۱۸۸) و عینی سال فوت وی را ۱۳۱۳ق [برابر با ۱۸۹۶/۱۸۹۵م] ذکر کرده اند. منابع متأخر به یکی از دو تاریخ مورد اشاره محترم، یعنی ۱۳۰۷ق (هادی زاده، ۱۹۶۸: ۴۹، ۲۶۶؛ میرزایف، ۱۳۴۵: ۵۵۸) یا عینی، یعنی ۱۳۱۳ق (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۳۱۶/۱؛ جلیل اوا، ۲۰۰۴: ۳/۳۵۴؛ مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۸۰: ۱/۵۵۳؛ کوتی، ۱۳۸۰: ۱/۲۸۸) بسنده کرده اند. هادی زاده به تاریخ مورد اشاره محترم (۱۳۰۷ق/۱۸۸۹م) اعتماد کرده و تاریخ منتخب عینی را نادرست دانسته است (۱۹۶۸: ۲۶۶). حبیباف (۱۹۹۱: ۴۶۷) به تاریخ مورد اشاره عینی (۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م)؛ و خواجه اوا و ایشان قلاف (۲۰۱۵: ۵) ضمن پذیرش تاریخ ۱۳۰۷ق/۱۸۸۹/۱۸۹۰م تذکره محترم، به سال های ۱۳۱۱ق و ۱۳۱۳ق اشاره کرده و در پایان درگذشت وی را «اول سال های ۹۰ عصر ۱۹» نوشته اند که به نوعی تأیید سال مورد اشاره محترم و هادی زاده است (همان: ۶-۷). ما با توجه به گفته صریح صدرضیا سال فوت شرعی را ۱۳۱۱ق/۱۸۹۴م می دانیم (۱۳۸۲: ۱۲۹-۱۲۸).^۷

از خانواده و احیاناً فرزندان شاعر اطلاعی در دست نیست؛ جز اینکه گویا ارادت پدر شاعر به مولانا قاضی عبدالواحد صدر صریر بلخی و مولانا سیرت بلخی از دیگران بسی بیشتر بوده است «والد فقیر را نسبت ارادت و اخلاص به جناب مولانا قاضی عبدالواحد صدر صریر بلخی علیه الرحمه و جناب مومی الیه [سیرت بلخی] از همه بیش بود و همیشه به حق فقیر از این عزیزان طلب دعا می نمود. لیکن راقم حروف به قدر اخلاص و اعتقاد خود به ترجمه مناسب مومی الیه موفق نگردیدم» (۲۰۱۵: ۲۵). شرعی از طبقه عالمان و در کتاب شناسی زبانزد بخاراییان بود. افضل به تسلط وی در «معرفت

کتاب متعدده متکثره مع علل غائیه» و «یکتا در فن نظم و نثر» اشاره کرده و درباره وی نوشته است: «خصوصاً در علم نحو و هندسه و استخراج مجهولات و اصول و فروع فقه، اکمل وقت و کافیه البضاعه» بود (افضل، ۱۳۳۶: ۶۶). محترم همین روایت را گسترش داده و «صحیفه خاطرش را کتاب کشف الظنون» شماره‌ده است (۱۹۷۵: ۱۸۸). بنابر نقل مصححان از تذکره حشمت بخارایی، وی علوم دینی را نزد سعدالدین ماهر آموخته است (۲۰۱۵: ۵) و بسیاری از شاعران و ادیبان تذکره‌اش مجالست داشته است. شرعی یک بار هم به درس ایشان صوفی، آخوند بخارایی رفته است: «فقیر اگرچه در ذیل مستفیدان نبودم، اما باری به حوزه درسشان وارد شده بهره‌ور گردیده بودم» (۲۰۱۵: ۴۲). از آثار شرعی به جز مقداری شعر و یک تذکره ناتمام چیزی به دست ما نرسیده است؛ اما محترم به گونه‌ای درباره‌اش سخن رانده که گویی تألیفات دیگری نیز داشته است که البته قابل اعتنا نیست: «این فقیر مؤلف را بعضی کتب مستعمله به دست افتاده که در باب تحریر، داد تحقیق را داده که از هیچ‌یک از علمای زمان به آن مقدار محنت دل نهاده» (۱۹۷۵: ۱۸۸).

شرعی به‌رغم ارتباط با شاعران و ادیبان زمانه خود مغضوب بسیاری از آنان بود. احمد دانش را می‌توان، دست‌کم در دوره‌ای از حیاتش، در زمره آنان به‌شمار آورد. دو قطعه در هجو شرعی و تذکره‌اش در منابع این دوره از احمد دانش ثبت شده است.^۸ مسلمانان قبادیانی (۱۳۸۰: ۵۵۳) وی را از همفکران دانش دانسته است. اگر شرعی را از دوستان منتقدان دربار از جمله واضح و دانش بدانیم، برای این عبارت شاید بتوان وجهی پیدا کرد. مصححان تذکره شرعی با استناد به شرح حال دانش بخارایی در تذکره شرعی و تلاش وی برای رفع کدورت و شبهات پیش آمده از کتاب *نوادرالوقایع* دانش در نزد دوستی ناشناس، که به واسطه بدفهمی و همسو با عده‌ای به تکفیر دانش باور داشتند، به این موضوع پرداخته‌اند: «شبی به حضور آن بزرگ معاصر [احمد دانش] راقم حروف را با آن رفیق معارض درین باب^۹ [نوادرالوقایع و تکفیر دانش برای تألیف آن] مکالمه روی داد. فقیر متصدی رفع شبهات و دفع اعتراضاتش گردیدم و آنچه مطابق عقاید اهل حق بود، منصفانه بیان و حمل صحیح‌البنیان نمودم. آن اجوبه از آن اسئله، آن بزرگ حاضر را پسند و مطبوع افتاد و آن یار عزیز به اصغای کلمه حق از سر آن ماجرا درگذشت و حقیر را که استنادی به مؤلف آن رساله داشتم، ممنون احسان گردانید» (همان: ۵۶).

در هر صورت وی نیز به دلیل ایرانی‌نژاد بودن و مذهب تشیع همانند قاری رحمت‌الله واضح (۱۳۱۱-۱۲۳۳ق) و نیز احتمالاً برخی مسائل شخصی مغضوب دربار و برخی از شاعران و عالمان بخارا بود. افضل‌مخدوم پیرمستی تلاش کرده است به قول خودش برخی از این اتهامات را از دامن وی بزدايد: «آن قدر کمال او را وقعی نمی‌نهادند و زبان به طعن او می‌گشادند. حتی که بعضی اطوار و اوضاع منکره و نالایق را بدو نسبت می‌دادند. چنانچه [چنانکه] بعضی او را شیعه می‌خواندند و برخی مرتکب افعال شیعه بر زبان می‌راندند؛ اما همه سخنان لاطائل و نسبتان بی‌حاصل بود... مشارالیه اهل سنت و جماعت است» (۱۳۳۶: ۶۶).

مصححان تذکره شرعی با اشاره به توضیح مختصر شرعی در حاشیه غزلی^{۱۱} از واضح با مطلع «از دهر کس ندید بدینسان جفا که من / هر دم به دام رنج و بلا مبتلا که من» (۲۰۱۵: ۹۳) در تذکره خود، برخی از غزل‌های واضح را در تتبع غزل‌های شرعی دانسته‌اند: «در تذکره حاجی عبدالعظیم شرعی یک چند^{۱۱} غزلیات قاری رحمت‌الله واضح ثبت یافته است که در تتبع و جویب غزلیات خود شرعی گفته شده است» (۲۰۱۵: ۱۷، مقدمه مصححان). می‌دانیم که تذکره قاری رحمت‌الله واضح در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م تألیف شده و صاحب تذکره در سال ۱۳۱۱ق، یعنی در همان سال وفات شرعی از دنیا رفته است؛ بنابراین باید این دو را معاصر هم دانست. اگر حاشیه غزل‌های یادشده در نسخه دست‌نویس (۲۰۱۵: ۹۳) درست باشد، که به نظر نادرست می‌نماید، این پرسش پیش می‌آید که چرا واضح به‌رغم آشنایی با شرعی و حتی پیروی از دو غزل وی، شرح حال و نمونه اشعارش را در تذکره خود، تحفه‌الاحباب فی تذکره‌الاصحاب (دوشنبه: دانش، ۱۹۷۷م)، نیاورده است؟ این درحالی است که واضح مانند همه تذکره‌نویسان برای تکمیل تذکره‌اش دست به هر کاری زده تا آن را تکمیل کند، حتی برخلاف شیوه رایج به شاعران خارج از محیط ادبی ماوراءالنهر نیز متوسل شده و گاهی با یک بیت شعر، کسی را به عنوان شاعر در تذکره‌اش جا داده است، پس چه اتفاقی رخ داده بوده که نامی از شرعی در تذکره واضح نیامده است؟!

تذکره شرعی، تذکره ناتمام مستقل عصری - ناحیه‌ای منشوری به زبان فارسی است که تذکره‌نویس تلاش کرده است به زندگی به‌ویژه شاعران منتخب در تذکره نگاه کاملاً انتقادی داشته باشد. از این نظر می‌توان این اثر را در محیط ادبی بخارا در بین دیگر تذکره‌های تألیف‌شده در این منطقه یگانه و استثنا دانست (هادی‌زاده، ۱۹۶۸: ۴۹). تذکره به نثر فنی و گاه متکلفانه نوشته شده است؛ بنابراین شاخصه‌های نثر فنی در آن به‌وفور دیده می‌شود. سجع‌های پی‌درپی، به‌ویژه در عبارات آغازین معرفی شاعران و عالمان، استفاده از واژه‌ها و ترکیبات عربی گاه قدیمی و کم‌کاربرد، جمع‌های مکسر، تبعیت صفات از موصوفات در تأنیث به شیوه قدما در همه صفحات و سطور این کتاب هویداست. هم‌ازین‌رو، ویژگی‌های لهجه ماوراءالنهری زبان فارسی در اثر شرعی نمود چندان‌ی ندارد.

اثر شرعی در منابع مربوط به ادبیات سده نوزدهم و آغاز سده بیستم میلادی به نام‌های مختلف دیده می‌شود. عبدی نخستین بار آن را *تذکره الشعرا دانسته* که «چند جزء در آن باب ترتیب نموده» است (۱۹۸۳: ۱۳۹). افضل از لفظ عام «تذکره‌ای مشتمله بر طبقات ناس» بهره برده و به گونه‌ای سخن گفته که گویی این تذکره کتابی کامل بوده است (۱۳۳۶: ۶۷)، از آثار صدرضیاء همین قدر دانسته می‌شود که «به تذکار جمهور هر طایفه/کتابی نموده‌ست پرفایده» (۱۳۸۰: ۱۲۱). از گفتار صدرضیاء نیز کامل بودن تذکره مستفاد می‌شود. محترم بخارایی نیز سخن افضل را تکرار کرده است: «و او را تذکره‌ای بوده که مشتمل بر طبقات و رؤسای انام، مقبول روزگار و مطبوع ایام» (۱۹۷۵: ۱۸۸). گویا عینی با تکیه بر همین روایات بنا به تشخیص خود برای اولین بار به جای *تذکره الشعرا* از نام *تذکره الفضل* برای اثر شرعی استفاده و در نمونه ادبیات تاجیک ثبت کرده است (۱۹۲۶: ۳۷۶-۳۷۳). عینی در ذیل شرح حال سیرت بلخی، شاهین بخارایی و واضح بخارایی به این تذکره ارجاع داده و نمونه شعر از آن نقل کرده است (۱۹۲۶: ۳۳۲-۳۳۳، ۳۶۱، ۵۰۰-۴۹۹). گلچین معانی (۱۳۶۳: ۳۱۶/۱)، مسلمانان قبادیانی (۱۳۸۱: ۵۵۳/۱)، کوتی (۱۳۸۰: ۲۸۸/۱) و دادبه و ملا احمد (۱۳۸۵: ۱۴/۷۲۵) نیز همین نام را برای تذکره شرعی تکرار کرده‌اند. میرزایف (۱۳۴۵: ۵۵۸) ضمن اشاره به ناتمام بودن تذکره، از نام *تذکره الشعرا* برای این تذکره استفاده کرده است. زهیر با استناد به جلد سوم فهرست گنجینه نسخه‌های خطی ابوریحان بیرونی تاشکند - ازبکستان (ص ۲۹، نسخه شماره ۳/۳۳۹۶) اثر شرعی را «تذکره سامی بخارایی» در شرح حال شعرای

معاصر مؤلف، نام نهاد است که روایتی شاذ است و غیر قابل اعتماد و اعتنا (۱۳۵۲: ۸۵). مصححان نخستین تصحیح انتقادی این تذکره که در سال ۲۰۱۵م از روی نسخه منحصر به فرد ۳/۳۳۹۶، محفوظ در گنجینه نسخه‌های خطی ابوریحان بیرونی تاشکند، در خجند تاجیکستان منتشر شد، از نام *تذکره الشعرا* برای تذکره بهره برده‌اند. ما نیز با توجه به محتوای تذکره، *تذکره شرعی* را از نام‌های دیگر برای نامگذاری این کتاب مناسب‌تر می‌دانیم؛ زیرا *تذکره شرعی* به شاعران اختصاص ندارد و در آن شرح زندگی عالمان هم آمده است.

تذکره شرعی در شرح حال و بعضاً نمونه اشعار ده تن از شاعران و عالمان معاصر تذکره‌نویس است که وی حضور غالب آن‌ها را درک کرده و با آنان مجالست داشته است. این کتاب بی‌نام ناقص است و حتی زندگی‌نامه برخی از شاعران، ادیبان و عالمان موجود در تذکره هم کامل نیست. مفصل‌ترین شرح حال و نمونه اشعار از آن قاری رحمت‌الله واضح بخارایی (۶۸-۹۹، جمعاً ۳۲ صفحه) و کوتاه‌ترین شرح حال مربوط به ایشان صوفی خواجه آخوند مفتی بخارایی (۴۲-۴۱، جمعاً یک صفحه) است که فاقد نمونه شعر از این عالم است. از بین ده شاعر و عالم موجود در تذکره، سیرت بلخی با نمونه شعر فارسی (۳۲-۲۲)، اکمل خواجه تاشکندی شعر عربی با ذکر این نکته که وی صاحب اشعار فارسی بوده است (۳۹-۳۳)، میان‌مالک، شیخ نقشبندی مجددی پیشاوری بدون نمونه اشعار (۳۹-۴۱)، آخوند مفتی بخارایی بدون نمونه شعر (۴۲-۴۱)، ظهورالدین مخدوم بخارایی بدون نمونه شعر و تنها با ذکر یک نامه کوتاه عربی بدون نقطه در خطاب به پدرش و ذکر این نکته که صاحب شرح حال دارای شعر عربی و فارسی است (۴۴-۴۲)، عبدالقادر خواجه سودا بخارایی با نمونه شعر فارسی و ترکی (۵۲-۴۴)، احمد دانش بخارایی با نمونه شعر فارسی (۶۲-۵۲)، میرزا جهانگیر مجنون ایرانی با نمونه شعر فارسی (۶۸-۶۲)، قاری رحمت‌الله واضح بخارایی با نمونه شعر عربی، فارسی و ترکی (۶۸-۹۹) و شاهین بخارایی بدون نمونه شعر (۹۹-۱۰۰) به ثبت رسیده‌اند. از آنجا که این تذکره ناتمام است، نمی‌توان درباره سال آغاز و اتمام تألیف تذکره اظهار نظر قطعی کرد. غالب منابع در این باره سکوت اختیار کرده‌اند. تنها افضل تألیف تذکره را به «اواخر عمر» وی نسبت داده است (۱۳۳۶: ۶۷). زهیر ۱۲۷۷ق را برای تألیف این اثر انتخاب کرده است که با توجه به درج زندگی‌نامه و شرح و تذکره وی در آن که در ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م تألیف شده، کاملاً نادرست است (۱۳۵۲: ۸۵).

مصححان تذکره تألیف آن را به سال‌های ۸۰ عصر نوزده مربوط دانسته‌اند (خواج‌اوا و ایشان‌قل‌اف، ۲۰۱۵: ۹). در تذکره دو بار به تاریخ درگذشت دو تن از شاعران و عالمان تذکره اشاره شده است. ذکر نام یک کتاب معروف نیز به مشخص شدن سال تألیف تذکره کمک خواهد کرد. وی به درگذشت ایشان صوفی خواج‌ه آخوند مفتی بخارایی (ف ۱۲۹۴ق [برابر با ۱۸۷۸م] و ملا عبدالقادر خواج‌ه بخارایی (ف ۱۲۹۵ق [برابر با ۱۸۷۹م]) اشاره صریح کرده است (شرعی، ۲۰۱۵: ۴۲، ۴۵). در تذکره به کتاب *نوردالوقایع* احمد دانش نیز اشاره شده است. این کتاب طی سال‌های ۱۲۹۲-۱۳۰۰ق [برابر با ۱۸۷۶-۱۸۸۴م] تألیف شده است. از تاریخ‌های یادشده این نتیجه را می‌توان گرفت که تذکره پس از سال ۱۳۰۰ق / ۱۸۸۴م تألیف شده است.

تذکره شرعی در شناخت شاعران بزرگ سده نوزدهم و معرفی نمونه اشعار آنان از اهمیت مخصوص به خود برخوردار است. در اهمیت این تذکره همین بس که تمام منابع پس از آن، به نحوی به کتاب و نویسنده ارجاع داده یا به ذکر نمونه اشعاری از آن اقدام کرده‌اند. هادی‌زاده در این زمینه نوشته است: «شرعی مخصوصاً شاعران پیشقدم زمانش را به دلیل و برهان‌های قطعی از تهمت‌های ناحق و حمله‌های بی‌جای علمای مرتجع حمایه [حمایت] نموده است» (۱۹۶۸: ۴۹).

آن‌گونه که پیشتر اشاره شد، تنها نسخه چاپی این تذکره در سال ۲۰۱۵م در خجند تاجیکستان (انتشارات خراسان) و در ۲۲۵ صفحه منتشر شده است. مزیت انحصاری این چاپ، انتشار نسخه فاکس میله تذکره شرعی در صفحات ۲۲ تا ۱۰۱ کتاب است. ۲۱ صفحه نخست، مقدمه مصححان را دربر گرفته است و ۱۲۵ صفحه آن هم برگردان به خط سیریلیک مقدمه، نسخه خطی و توضیحات واژه‌های مشکل کتاب است. با اینکه میرزا عبدالواحد منظم با خط خوش نستعلیق این نسخه را کتابت کرده است، مصححان در برگردان متن فارسی و عبارات عربی دچار بدخوانی‌های فراوانی شده‌اند که از ارزش متن سیریلیک کتاب کاسته است؛ بنابراین شایسته است کتاب یک بار دیگر با توضیح و ترجمه عبارات و اشعار عربی و دو نمونه شعر ترکی از یکی آن تصحیح شود.

| حجم | استقلال | وجه ادبی | صورت | شمول | لحن | ابداع و اصالت |
|------|---------|----------|------|----------------|-----|------------------|
| ناقص | مستقل | نثر فنی | ساده | عصری/ ناحیه‌ای | جدی | توصیفی و انتقادی |

۲.۲.۱ منابع تذکره شرعی

تذکره واضح بخاری، آثار شاعران منتخب و منابع شفاهی، سه سرچشمه تذکره شرعی در تألیف این اثر است. تذکره‌نویس درباره واضح و اثر وی مفصل سخن گفته است، و به تناوب ذیل شرح حال دیگر عالمان و شاعران منتخب به آثارشان ارجاع داده است (همان: ۵۵، ۶۶، ۷۳-۷۶). بخشی از اطلاعات تذکره‌نویس برگرفته از مجالست‌ها و منابع شفاهی‌ای بوده که وی در اختیار داشته است. این مواد را می‌توان در شرح حال همه شاعران و عالمان، به‌ویژه سیرت بلخی، دانش بخارایی، واضح بخارایی و میرزا جهانگیر مجنون ایرانی دید. از این نظر تذکره شرعی همانند دیگر تذکره‌های عصری - ناحیه‌ای این منطقه دارای کمال اهمیت است.

۲.۳ تحلیل و طبقه‌بندی معیارهای تذکره‌نویسی شرعی

برای تحلیل تذکره‌ها صرف‌نظر از طبقه‌بندی‌های پیشنهادشده برای مشخص کردن نوع آن‌ها از جمله حجم، استقلال، وجه ادبی، صورت، شمول، لحن، و ابداع و اصالت (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/ چهار- پنج؛ مسعودی، ۱۳۸۵: ۱۴/ ۷۱۶-۷۲۰؛ شفیعیون، ۱۳۹۳: ۱۰۴-۸۵)، می‌توان معیارهای دیگری برای تحلیل آن‌ها جستجو کرد. که عمدتاً با محتوای تذکره‌ها سروکار دارد. نگارنده برای تحلیل تذکره‌های تألیف‌شده در جغرافیای ماوراءالنهر نه شاخص را انتخاب و براساس آن، تذکره‌ها را بررسی کرده است. این نه شاخص درباره دیگر تذکره‌های ادبی فارسی نیز کارایی خاص خود را دارد، جز اینکه باید دانست تمرکز تذکره‌نویسان بر روی همه شاخص‌ها یکسان نیست. زیست‌جهان فکری تذکره‌نویسان در معرفی شاعران و ارزیابی جایگاه و پایگاه اجتماعی و شعری آنان دخالت مستقیم دارد و ناگزیر آن‌ها را به سمت تأکید بر یک یا چند شاخص و به حاشیه‌راندن دیگر شاخص‌ها سوق می‌دهد. شاخص‌های منتخب نگارنده به شرح ذیل است: «۱. تخلص، دريچه ورود مؤلف به دنیای شاعر؛ ۲. وابستگی‌های نژادی و نسبی؛ ۳. وابستگی‌های فکری و ادبی؛ ۴. زادگاه، تاریخ تولد و فوت؛ ۵. شغل، تحصیلات، استادان، شاگردان و معاصران؛ ۶. آثار شاعران؛ ۷. پیوند با دربار؛ ۸. بوطیقای ذوق تذکره‌نویس (نوع انتخاب‌ها، علایق شاعران و تذکره‌نویس)؛ ۹. زبان».

۲.۳.۱. تخلص، دريچه ورود مؤلف به دنيای شاعر

تذکره شرعی ناتمام است و ده شاعر و عالم ذکر شده در آن ذیل بابی به نام «الف» سامان یافته‌اند. ترتیب چینش شرح حال‌ها از هیچ قاعده‌ای پیروی نکرده است. سیرت بلخی، اکمل تاشکندی، سودا بخارایی، دانش بخارایی، مجنون ایرانی، واضح بخارایی و شاهین بخارایی، هفت شاعر دارای تخلص هستند که به ترتیب در تذکره شرح حالشان دیده می‌شود. میان‌مالک صاحب شیخ نقشبندی مجددی پیشاوری، ایشان صوفی خواجه آخوند مفتی بخارایی و میر ظهورالدین مخدوم بخارایی نیز سه عالمی هستند که در تذکره بعد از اکمل تاشکندی شرح حال آن‌ها دیده می‌شود. همان‌گونه که دیده می‌شود نمی‌توان چهارچوب خاصی حتی از دريچه تخلص به دنيای ذهنی تذکره‌نویس گشود، باین‌همه شرعی در همین اندک شرح حال‌های باقی مانده نیز نتوانسته است از تخلص و جاذبه آن در شناساندن شاعر چشم‌پوشد:

«تخلص مومی‌الیه... مطابق واقع سیرت است. نظم و نثرش خصوصاً اشعارش همگی پرمضمون...» (سیرت بلخی، ۲۶).

«چنانچه [چنانکه] تخلص خود را مجنون قرار داده است، وضع خود را نیز به همان طرز به مردم نموده است» (میرزا جهانگیر ایرانی، ۶۴).

«تخلص خود را شاهین قرار داده است که طیور معانی را به طبع جولانی خود شکار می‌نماید» (شاهین بخارایی، ۱۰۰).

در هر صورت تذکره شرعی را باید در میان تذکره‌های سده نوزدهم و بیستم از این نظر استثنا دانست. پر واضح است که نمی‌توان درباره سامان نهایی تذکره به دلیل ناتمام ماندن آن داوری کرد. اگر باب دیگری از تذکره در دست بود؛ آنگاه می‌توانستیم از طریق مقایسه باب کنونی با آن به دنيای تذکره‌نویس از منظر تخلص بیشتر آگاهی پیدا کنیم.

۲.۳.۲. وابستگی‌های نژادی و نسبی

شرعی را به دلیل آشنایی کامل با دنیای کتاب در جهان اسلام، علاوه بر مهارت در کتاب‌شناسی، باید به جهان طبقات‌شناسی و علم انساب نیز آشنا دانست. این دو مهارت در سایه تسلط وی به علم حدیث و دانش‌های وابسته به آن، از شرعی شخصیتی چندبعدی ساخته بود. وی در ذیل شرح حال واضح بخارایی به این موضوع با دقت بیشتری تمرکز کرده است، آنجا که امارت بخارا و امارت‌نشینانش برای واضح بخارایی آن هم تنها به دلیل «ایرانی‌بودنش» اعتباری قائل نبودند و او را به‌رغم ده‌ها فضیلت دیگر به بهانه‌های گوناگون می‌رنجاندند: «لیکن بنا بر نسبتش به قوم ایرانی با همه دانی، اهل زمان عنوانش نمی‌دهند و رواجش نمی‌خواهند و قبولیت و مرجعیتش نمی‌پسندند» (۲۰۱۵: ۶۹). شرعی با پناه بردن به روایاتی از تاریخ اسلام که نسب را در دین، دانش و ادب می‌جویند نه وابستگی‌های نژادی، قبیله‌ای و خونی، تلاش کرده است از شخصیت واضح و البته شخصیت خودش نیز، در محیط آلوده به تعصب بخارای آن دوره دفاع کند و خود البته پیداست که شرعی در این میدان مبارزه‌جویی، دانش نسب‌شناسی را نه برای نسب‌شناسی و اثبات آن، بلکه برای کنار زدن اهمیت و اولویت آن از مسائل اجتماعی به میدان آورده بود تا بدین وسیله رفتار غیر مدنی و حتی غیر شرعی و طبیعتاً نادرست مخالفان را پاسخ داده باشد: «در کتب سیر و اخبار از آثار اصحاب چنین نگاشته‌اند که سلمان فارسی (رضی‌الله‌عنه) را که بعضی اصحاب از نسبش پرسیدند، او جواب فرمودی که «انا سلمان بن الاسلام». چون این سؤال و این جواب به سمع مبارک خلیفه ثانی حضرت عمر فاروق (رضی‌الله‌تعالی‌عنه) رسید اظهار فرحت و بشاشت نموده فرمودند: «صدق سلمان. انا عمر بن السلام اخو سلمان بن الاسلام» و نیز بعضی از علمای متقدمین و کبرای مجتهدین و سلف صالحین و مشایخ دین که از موالی بوده، بلکه نسب مشهور نداشته‌اند، به صحبت پیوسته که پرسیدند: «من ابن انت؟». آن بزرگوار در جواب فرمودند که «انا ابن العلم» و لنعم ما قیل انما المرء بالادب و بالحسب لا بالنسب والنسب» (۲۰۱۵: ۷۰).

وی در ادامه همین گفتار با تمسک به چند حدیث دیگر از پیامبر اسلام (ص) به موضع نازش به نسب تاخته و آن را از نشانه‌های دوران جاهلیت شمرده است: «أَرْبَعٌ مِنْ أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتَرَكُونَهُنَّ: الْفَخْرُ فِي الْأَخْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالِاسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ وَالْيَاحَةَ»^{۱۲} (همان: ۷۱).

با این حساب هرچند در تذکره شرعی نباید به سراغ وابستگی‌های نژادی و نسبی رفت، این موضوع البته به معنی بی‌توجهی تذکره‌نویس به این موضوع نیست. طایفه سادات حتی از جانب مادر برای شرعی دارای اهمیت است. وی در ذیل شرح حال اکمل تاشکندی، آخوند مفتی بخارایی و سودا بخارایی به این موضوع توجه نشان داده است:

«خواجه اکمل تاشکندی... از سادات دیار تاشکند و فاضل و دانشمند بود» (همان: ۳۳).

«ایشان صوفی خواجه آخوند مفتی بخارایی... از سادات دیار ختلان‌اند که والد بزرگوارشان ملا امان‌الله خواجه آخوند از آن دیار به دارالفضل فاخره بخارا جهت تحصیل کمالات آمده به سادات والاتبار این دیار وصلت نموده و سکونت ورزیده بوده‌اند» (همان: ۴۱).

۲.۳.۳ وابستگی‌های فکری و ادبی

تصوف و طریقت‌های شاخص عرفانی و در رأس آن‌ها نقش بندیه از یک سو، و شخصیت‌های برجسته ادبیات کلاسیک فارسی و شاهکارهای جهانی آن‌ها از سوی دیگر، حلقه اتصال شکل‌گیری جریان‌های فکری و ادبی در محیط‌های ادبی ماوراءالنهر در این دوره است. تذکره‌نویس در ذیل شرح حال سیرت بلخی، اکمل تاشکندی، میان‌مالک نقشبندی مجددی پیشاوری، ایشان صوفی خواجه آخوند مفتی بخارایی، سودا بخارایی و مجنون ایرانی به‌طور عام به گرایش آنان به تصوف یا ورود به حلقه طریقت عرفانی نقشبندی اشاره کرده است. شرعی درباره گرایش‌های ادبی شاعران به تتبع اکمل تاشکندی و واضح بخارایی در سرودن قصیده‌ای در پیروی از ابن فارض مصری و تمایل میرزا جهانگیر مجنون ایرانی به مثنوی مولوی توجه نشان داده است. نکته مهم دیگری که در این باره می‌توان به آن اشاره کرد، تسلط تذکره‌نویس به میراث شعر کلاسیک فارسی است. در مقدمه یا در حاشیه برخی از اشعار انتخاب شده از شاعران، شرعی به موضوع تقلید و تتبع شاعر مورد بحث از یکی از شاعران کلاسیک اشاره کرده است. این اشارات تذکره‌نویس، پژوهشگر ادبی را در شناخت گرایش‌های فکری و ادبی محیط ادبی ماوراءالنهر در دوره مورد بحث یاری می‌دهد:

«بعد از آن در میان طایفه خود از این ممر و از حیث خوانندگی و نحوه اعتباری در وجهی پیدا کرد و به شاعری نام برآورد تا به حدی که در تتبع مثنوی حضرت مولوی رومی (قدس سره) به خیال خود مثنوی آغازید و در آن از آیات و احادیث و مسائل تصوف مبلغ کثیری درج نموده...» (مجنون ایرانی، ۶۲).

«مومی‌الیه را اگرچه اشعار عربی، قصائد و غیرها بسیار است، لیکن در تتبع قصیده تائیه به روش ملا اکمل خواجه تاشکندی در تتبع قصیده شیخ ابن الفارض مصری (قدس سره)... به طرز شعرای عرب که شکایت از معشوق و طالع خود... است به کمال فصاحت و بلاغت و از اکمل متین‌تر و رنگین‌تر پرداخته بود» (واضح بخارایی، ۷۶-۷۷).

۲.۳. ۴ زادگاه، تاریخ تولد و فوت

تذکره شرعی، تذکره‌ای عصری است، به‌همین دلیل جغرافیا در این نوع تذکره‌ها اولویت نخست را در چارچوب ذهنی تذکره‌نویس به خود اختصاص می‌دهد. در این تذکره زادگاه نه تن از شاعران و فاضلان طرح شده در آن مشخص است: چهار تن از بخارا (ایشان صوفی، مخدوم، سودا، دانش)، سه تن از تاشکند (اکمل)، بلخ (سیرت)، پیشاور (میان‌مالک)، دو شاعر از ایران یا با تباری ایرانی (مجنون، واضح) و یک تن نامشخص (شاهین).^{۱۳} تاریخ تولد همانند دیگر تذکره‌های کلاسیک اهمیتی برای تذکره‌نویس نداشته است؛ اما تاریخ درگذشت و موقعیت شاعر در زمان تألیف تذکره کاملاً مشخص بوده است. جز ایشان اکمل (بدون اشاره به تاریخ فوت)، صوفی (ف ۱۲۹۴ق) و سودا (ف ۱۲۹۵ق)، هفت شاعر و فاضل تذکره در زمان تألیف در قید حیات بوده‌اند و تذکره‌نویس به نحوی مخاطب را از این موضوع آگاهانده است.

۲.۳. ۵ شغل، تحصیلات، استادان، شاگردان و معاصران

بیشتر کسانی که شرعی گزارش زندگی آنان را در تذکره خود بیان کرده، از عالمان دین و بزرگان اهل طریقت دوره خود بوده‌اند. این افراد یا شاعر حرفه‌ای بودند یا در حاشیه زندگی حرفه‌ای خود به شاعری و نویسندگی نیز می‌پرداختند. مخاطب در ذیل

شرح حال شاعران، ادیبان و عالمان تذکره با غالب این موارد آشنا می‌شود. این افراد عموماً زندگی خود را با منصب افتا، تدریس، قضاوت، امامت و خطابت مسجد یا خانقاه، احتساب یا یکی دیگر از مناصب درباری می‌گذراندند یا اینکه از طایفه پیشه‌وران بودند. از میان شاعران تذکره، مجنون ایرانی پیشه عطاری داشت و از این راه روزگار می‌گذراند. واضح شاعر و نویسنده حرفه‌ای بود و طبابت هم می‌کرد. سیرت، اکمل، میان‌مالک، ایشان صوفی، سودا و دانش تمام عمر یا بخشی از حیات خود را به شغل‌هایی که از سوی دربار به آن‌ها احاله شده بود، اشتغال داشتند. شاهین شاعر و نویسنده حرفه‌ای بود. میر ظهورالدین مخدوم بخارایی گویا تنها به دلیل آنکه فرزند قاضی عبدالواحد صدر صریر بلخی بوده، در این تذکره جا گرفته است. از زندگی مخدوم در منابع این دوره، اطلاعی در دست نیست.

۲.۳.۶ آثار شاعران

تذکره‌نویس در ذیل شرح حال شاعران و ادیبان تذکره خود تلاش دارد تا سیمایی روشن از شاعر و عالم تذکره خود را در نزد مخاطبان به تصویر بکشد؛ بنابراین تا آنجا که ممکن است تلاش می‌کند فهرستی از آثار قلمی آن‌ها را در تذکره خویش بیاورد. حتی اگر شاعر و ادیب مورد نظر اثری نداشته باشد، بازهم تذکره‌نویس احوال علمی وی را با جزئیات برای مخاطب روشن می‌کند. در مطاوی همین فهرست‌نویسی تذکره‌نویس است که ما می‌توانیم با جریان‌های دینی و فرهنگی، و فکری و ادبی منطقه آشنا شویم. شرعی در تذکره خود به آثار واضح و دانش توجه ویژه‌ای نشان داده است. دیدگاه‌های شرعی در انعکاس واکنش جامعه بخارای پایان سده نوزدهم به آثار این دو، به‌ویژه دانش بخارایی، برای پژوهشگران جریان‌های روشنفکری و معارف‌پروری این دوره بسیار مغتنم است تا جایی که گاهی اوقات بدون مراجعه به این اسناد نمی‌توان درباره این شخصیت‌ها قضاوت نهایی کرد. تحلیل شخصیت واضح بخارایی و شیوه مواجهه پیوند جامعه علمی و دربار با این عالم برجسته را تنها می‌توان در همین تذکره یافت.

۲.۳.۷ پیوند با دربار

شرعی شاعر دربار نبود و هیچ سفارشی نیز از جانب دربار برای تدوین و تألیف تذکره دریافت نکرده بود؛ اما برای گذران عمر ناگزیر بود شغلی داشته باشد. به همین دلیل در بخشی از عمر خود و پس از بازگشت از سفر هندوستان ریاست ولایت ینگه‌قورغان را پذیرفته بود. این شغل درباری در زمان عبدالاحد هرگز نتوانست از شاعر و عالم شخصیتی درباری بسازد که خواسته‌های آن‌ها را تکرار کند. اگر چنین بود هرگز شرعی به سراغ امثال سیرت، دانش، واضح، شاهین و سودا نمی‌رفت که همگی از منتقدان امارت بودند. باین‌همه تذکره‌نویس در ذیل شرح حال هر مدخل به فراز و نشیب زندگی شاعر و عالم مورد نظر نیز اشاره کرده و به ارتباط وی با دربار در طول دوره حیات پرداخته است. ضمن آنکه با زیرکی تمام و رعایت جانب احتیاط نارضایتی آن‌ها را نیز از دربار به تصویر کشیده است:

«قاضی مولانا میر ابوالفضل مخدوم سیرت بلخی، صدرالعلما... به سبب زخم چشم حاسدان و اصحاب غرض ترقی به مراتب مناسب و مناصب که لایق اوصاف کمالیه‌اش بود، میسر در آن در آن عصر نشد» (صص ۲۲-۲۳).

«الحال به سبب نامساعدی روزگار و انقلاب چرخ دوار و کجروی و نادرستی بعضی پرستاران و ملازمانش معزولی یافته، به عسرت و فقر تمامه ایام به سر می‌برد و شب را به ستاره شمردی به روز می‌آرد» (درباره دانش بخارایی، بنیانگذار جریان معارف‌پروری در ماوراءالنهر، صص ۵۳-۵۴).

۲.۳.۸ بوطیقای ذوق تذکره‌نویس (نوع انتخاب‌ها، علایق شاعران و تذکره‌نویس)

تذکره شرعی در زمینه رویکردهای بلاغی و جمال‌شناسانه و از این طریق آشنایی با ماهیت شعر و شاعری همانند دیگر تذکره‌های دوران کلاسیک ادب فارسی نسبتاً غنی است؛ اما به دلیل ناتمام بودن تذکره و نداشتن مقدمه فاقد انسجام است. آشنایی شاعر با دانش‌های بلاغی، منطقی و فلسفی از یک سو، و تاریخ و ادبیات از سوی دیگر در چارچوب ذهنی شرعی از اهمیت بالایی برخوردار است. از نظر وی کسی شاعر و عالم بلندمرتبه‌ای است که به این دانش‌ها مسلط باشد و بتواند از منابع اصلی‌ای که این علوم به زبان‌های عربی و فارسی نوشته شده‌اند، بهره‌برد. اکمل تاشکندی از این رو در نگاه شرعی بزرگ است که مثلاً «قاموس‌اللغه فیروزآبادی را که اکثر فضلا در عباراتش

عاجزی می‌نمایند، و کشف و مقامات حریری و مطول را که... هیچ‌یک از علما و فضلا متصدی هیچ‌کدام شده نمی‌توانند... در اکثر مقام آن‌ها تعلیقه و هوامش و فواید نگاشته بود» (۲۰۱۵: ۳۶-۳۵). وی برای دیگر شاعران و عالمان تذکره خود نیز از همین نوع القاب استفاده کرده است. در وصف مخدوم بخارایی نوشته است: «در فن صرف و نحو و لغت و بلاغت و منطق و فقه و اشعار فارسی و عربی و انشا نثر و عروض و قافیه و طب و محاضرات و تاریخ و سیر و امثال مهارت بر وجه کمال داشت» (همان: ۴۳). در تحلیل شخصیت علمی واضح بخارایی می‌خوانیم: «و در تحصیل فضائل و کسب کمالات دیگری مانند او کمتر کوشیده و جام رحیق علوم و فنون از سرچشمه تحقیق نوشیده و در هیچ باب به تساهل و تکاسل راضی نشده» (همان، ۶۸) و در افزوده است: «در حفظ اشعار عربی و فارسی متقدمین و متأخرین و معرفت به احوال نظم و نثر گماهی و تاریخ و سیر سلاطین و علما و فضلا سعی بلیغ نموده» (همان، ۷۱).

آگاهی وی از شرایط تذکره‌نویسی نیز با همین موضوع پیوند می‌خورد. شرعی در شرح حال واضح و اشاره به تذکره *تحفه الاحباب فی تذکره الاصحاب* و نقد این تذکره به این شرایط پرداخته است: «از آن جمله *تذکره الشعرا* است موسوم به *تحفه الاحباب فی تذکره الاصحاب* مشتمل بر ذکر یکصد و سی و سه (۱۳۳) نفر از علما و فضلا و امرا و غیرهم... لیکن بعضی اعزه در آنجا مذکور نگردیده از رقم خالی مانده‌اند. ظاهراً به جهت عدم وقوف بر احوال بعضی یا عدم معرفت و سابقه به آن‌ها یا به سبب دستیاب نگردیدن اشعار طبع‌زادشان یا از حیثیت نامناسب بودن اشعارشان باشد یا به وجهی که مؤلف دریافته باشد مع ذلک ذکر جمیل اهل فضل و کمال در یک رساله و یک کتاب متعسر است. صاحب‌حوصله فارغ‌بالی باید که به مدت‌های مدید و تفتیش‌های بلیغ و رنج و کلفت بسیار به تردد فراوان ذکر اوساط و مشاهیر را از عهده برآید، چه هر سیدی به تصور خود منتهی کامل و فاضل شامل است» (همان: ۷۴-۷۵).

با این‌همه، شرعی در تذکره خود و در ذیل شرح حال‌ها یکسان عمل نکرده یا اینکه اجل مهلت نداده تا آن‌گونه که خود می‌خواسته کار را سامان دهد. وی در شرح حال‌ها به‌ویژه عالمان شاعر بیشتر بر حالات روحی و روانی آن‌ها متمرکز شده است تا تمرکز بر جنبه علمی و ادبی آثارشان.

جهان پیش روی تذکره‌نویس، جهان پسند خواص است؛ بنابراین شرعی در این جهان تلاش خود را به کار بسته است تا مخاطبان خاص را راضی نگه دارد و در این

مسیر اگر لازم دیده، به عوام تاخته است. هم ازین رو بوطیقای انتخاب وی در تذکره بین قصیده و غزل در تردد است. بیش از چهل قطعه شعر و در مجموع ۶۱۲ بیت شعر به سه زبان فارسی (۴۷۸ بیت، ۰/۷۸)، عربی (۱۸ بیت، ۰/۲۸/۱۹) و ترکی [ازبکی] (۱۶ بیت، ۰/۲/۶۱) با حدود ۲۵ غزل و تعدادی قصیده، قطعه، فرد و رباعی در تذکره شرعی درج شده است. از دیگر قالب‌های شعری مانند مثنوی، ترجیع‌بند، ماده‌تاریخ، ترکیب‌بند و مسمط در تذکره شرعی خبری نیست. واضح (۳۰۷ بیت)، سیرت (۹۸ بیت)، سودا (۷۷ بیت)، دانش (۶۲ بیت)، اکمل (۴۳ بیت) و مجنون (۲۵ بیت) به ترتیب بیشترین و کم‌ترین حجم نمونه اشعار را در تذکره به خود اختصاص داده‌اند. از چهار عالم و شاعر دیگر هیچ شاهد شعری در تذکره درج نشده است. یک نمونه نثر عربی بدون نقطه از ظهورالدین مخدوم بخارایی (ص ۴۴) و یک نمونه نثر از میراث منشور دانش بخارایی (ص ۵۷)، احتمالاً از *بدایع‌الوقایع*، در تذکره دیده می‌شود. غزل‌ها مضامین عاشقانه و اجتماعی دارند و قصاید مدحی و دینی هستند. برخی غزل‌های سودا مضامین طنزی دارند و در لهجه محلی سروده شده‌اند.

۲. ۳. ۹ زبان

جهان تذکره و تذکره‌نویس انعکاس تمام‌وکمال حال‌وهوای محیط ادبی ماوراءالنهر در پایان سده نوزدهم میلادی از نظر زبان است. تذکره‌نویس نه بار در تذکره خود فارسی و عربی را در کنار یکدیگر نام برده و به ترتیب شش، دو و یک بار از زبان‌های فارسی، عربی و ترکی برای بیان زبان شاعران تذکره بهره برده است (شرعی، ۲۰۱۸: ۲۵، ۳۴، ۳۶-۳۵، ۴۳، ۶۳، ۷۶-۷۱، ۹۳، ۹۹). موضوع قومیت در این تذکره هیچ ارتباطی با زبان ندارد. شرعی در ذیل شرح حال شاهین به هنگام اشاره به قومیت فارسی‌زبانان از لفظ عام «عجم» استفاده کرده است. در تذکره شرعی از هر سه زبان یادشده نمونه شعر درج شده است: عربی نماینده زبان عالمان، فارسی و ترکی زبان مردمان. نمونه شعر اکمل تماماً عربی، نمونه شعرهای سیرت، دانش و مجنون همگی فارسی، نمونه شعر واضح در سه زبان فارسی (۲۲۳ بیت، ۰/۷۲/۶۳)، عربی (۷۵ بیت، ۰/۲۴/۴۲)، و ترکی (۹ بیت، ۰/۲/۹۳) و نمونه شعر سودا به دو زبان فارسی (۷۱ بیت، ۰/۹۲/۲۰) و ترکی (۷ بیت، ۰/۰۹) است.

۳. نتیجه گیری

حاجی عبدالعظیم شرعی نخستین تذکره‌نویس محیط ادبی بخارا است که در نیمه دوم سده نوزدهم با الهام از واضح بخارایی، دیگر هم‌تبار ایرانی‌نژاد خود در گسترش و رونق ژانر تذکره‌نویسی در محیط ادبی ماوراءالنهر نقش ایفا کرده است. افزوده وی بر میراث تذکره‌نویسی پس از واضح، تحلیل‌های مفصلی است که خارج از پسند دربار در معرفی جریان پیشرو محیط ادبی بخارا در قالب ارزیابی درست اندیشه و آثار احمد دانش، بنیان‌گذار جنبش معارف‌پروی، و دوستان این جنبش صورت پذیرفته است. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش مبنی بر اینکه «آیا می‌توان به هویت واقعی عبدالعظیم شرعی دست یافت و مهم‌ترین شاخص‌های شرعی برای تدوین تذکره کدام‌اند؟» نتایج پژوهش نشان داد هویت واقعی شرعی به دلیل اختلاف اقوال و تناقض پژوهشگران معاصر وی آسان نیست. انتقاد سخت وی به نازش به وابستگی‌های نژادی و نسبی و پرهیز مردم از این موضوع نشان می‌دهد وی در گروه اقلیت جامعه (تبار، مذهب) قرار دارد؛ بنابراین از مخاطبان می‌خواهد یکدیگر را فقط با معیار اسلام بشناسند و بسنجند نه تبار و مذهب خاص. این موضوع در تبیین شاخص‌های نه‌گانه تحلیل تذکره شرعی نیز دارای اهمیت است؛ به‌گونه‌ای که وی در میان تمام تذکره‌نویسان این دوره، از چشم‌انداز دیگری به وابستگی‌های نژادی و نسبی نگریسته است و آن را در ارزیابی شخصیت شاعران و عالمان منتخب دارای کم‌ترین تأثیر دانسته است. دستاوردهای مقاله در بخش بررسی سوانح زندگی تذکره‌نویس و تحلیل تذکره برای تصحیح نواقص و اشتباهات منابع موجود در ایران و تاجیکستان و تکمیل آگاهی‌های پژوهشگران تذکره‌نویسی این منطقه دارای تازگی خاص خود است.

یادداشت‌ها

۱. سامی و مهری تخلص‌های نخستین شرعی هستند. صدرالدین عینی (۱۹۲۶: ۳۷۴)، حبیب‌اف (۱۹۹۱: ۴۶۶)، مسلمانیان قبادیانی (۱۳۸۰: ۵۵۳/۱)، جلیل‌اوا (۲۰۰۴: ۳/۳۵۴)، و خواجه‌اوا و ایشان‌قل‌اف (۲۰۱۵: ۷) به این موضوع اشاره کرده‌اند.

۲. هر ولایت در دوره امیران منغیت بخارا چهار مسئول داشته که از سوی امیر تعیین می‌شده است. این مناصب به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: ۱. میر/ حاکم/ بیک؛ ۲. قاضی؛ ۳. رئیس/ محتسب؛ ۴. املاک‌دار. حاکم/میر و املاک‌دار (جمع‌کننده مالیات زمین‌ها) از سپاهیان و قاضی و رئیس از طایفه علما بودند (صدرضیاء، ۱۳۸۲: ۳۴۲، ۴۳۰).

۳. ینگگی قورغان (Yangikurgon): از ولایت‌های پانزده‌گانه خان‌نشین بخارا در دوره امیران منغیتی (-۱۷۵۳ تا ۱۹۲۰م) بود. غورقان، به ترکی از یکی یعنی شهر. هم‌اکنون این ناحیه از سپتامبر ۱۹۲۶م با تغییر نام به غله‌آرال (Gallaorol) در استان جیزخ (Jizzakh) ازبکستان قرار داد. امارت بخارا براساس یادداشت‌های صدرضیاء در روزنامه در پایان سده نوزدهم ۱۵ ولایت (ضیاء‌الدین، قراکول، چهارجوی، قرشی/ نسف، حصار، خزار، کریمه، ینگگی قورغان، سرجوی، شهرسبز/ کیش/ کش، خطرچی، کرکی، یک‌باغ، بلجوان و قبادیان) و ۹ ناحیه بزرگ به نام تومان داشت. تومان‌ها به‌طور مستقیم تابع مرکز امارت بودند (صدرضیاء، ۱۳۸۲: ۴۳۰).

۴. شغلی که در زمان امیر مظفر (حک. ۱۸۶۰-۱۸۸۵م) و به پیشنهاد ملا بدرالدین، قاضی کلان بخارا، در ارک شاهی مرسوم شد و در آن شخص صحیح‌خوان، احادیث کتاب صحیح امام محمدبن اسماعیل بخاری (۲۵۶-۱۹۴/۱۰-۸۷۰م) را برای حضار قرائت می‌کرد. متصدیان این شغل از امارات راتبه می‌گرفتند (صدرضیاء، ۱۳۸۲: ۳۶۴، توضیحات مصحح).

۵. اینکه برخی از منابع مکان فوت وی را بخارا نوشته‌اند، نادرست است. به‌نظر می‌رسد روایت مکان و زمان تولد شرعی را نخستین بار عینی به اشتباه در نمونه ادبیات تاجیک نوشت و بعدتر برخی از پژوهشگران آن را تکرار کردند (عینی، ۱۹۲۶: ۳۷۵؛ حبیب‌اف، ۱۹۹۱: ۴۶۷؛ مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۸۰: ۵۵۳).

۶. محمدجان شکوری بخارایی در بخش توضیحات کتاب روزنامه سال فوت شاعر را به نقل از عینی ۱۳۱۳ق/۱۸۹۶م دانسته است. وی در همین بخش به نقل از هادی‌زاده (متن روسی ادبیات تاجیک در نیمه دوم عصر نوزدهم، ۱۹۵۶: ۴۴-۸۴) شرعی را از ایرانیان بخارا به‌شمار آورده است (صدرضیاء، ۱۳۸۲: ۳۶۲، توضیحات مصحح). همین مصحح در ضمیمه شماره ۲ کتاب تذکار/شعرا (صص ۲۷۹-۳۵۲) که شامل آگاهی‌هایی از زندگی برخی شاعران معاصر صدرضیا و از جمله شرعی است، سال فوت وی را ۱۳۱۱ق/۱۸۹۳م نوشته است (۱۳۸۰: ۳۱۶-۳۱۵).

۷. نگارنده در کتاب از سمرقند چو قند سال‌های ۱۸۹۵م و ۱۸۸۹م برابر با ۱۳۰۷ق و ۱۳۱۳ق را انتخاب کرده بود که به‌نظر می‌رسد سال ۱۳۱۱ق را که صدرضیاء نوشته است، درست باشد. با توجه به عبارت صدرضیاء درباره زمان درگذشت شرعی «به اندک فرصت آن بیچاره از دست ساقی اجل، جام فنا نوشیده» می‌توان ماه فوت تذکره‌نویس را نیز حدس زد و بر آن اساس، سال میلادی را مشخص کرد. اگر ما «اندک فرصت» را دست‌کم سه ماه فرض کنیم، سال میلادی فوت شاعر برابر با ماه نخست ۱۸۹۴م خواهد بود (خدایار، ۱۳۸۴: ۱۹).

۸. احمد دانش در این رباعی که بعد از شرح حال شاهین بخارایی در آخرین صفحه نسخه خطی ۳۳۹۶۳ در کنار چند رباعی دیگر نوشته شده، جهان را چون تذکره شرعی سر تا پا بی معنی فرض کرده است: با بی‌خردان ناز و نعیم است جهان/ بر دانایان نارِ جحیم است جهان// سر تا پا یک نسخه بی معنی گیر/ چون تذکره حاجی عظیم است جهان (۲۰۱۵: ۱۰۱). دانش در این قطعه که نخستین بار صدرضیاء آن را در *تذکار اشعار* نقل کرده، تمام کسانی را که شرعی در تذکره خود از آن‌ها نام برده، مشتی خر و جاهل دانسته، شگفت آنکه در تذکره باقی مانده از شرعی، نام احمد دانش هم دیده می‌شود: حاجی شرعی نمود تذکره‌ای/ تا که باید ز دور چرخ فتوح// نکته‌ها از سلالتی مقدوح/ قصه‌ها از سلامتی مجروح// اندر آن ذکر کرده جمله خری/ همه از جهل طالب سلنوح// بخردی آن کتاب دید و بگفت/ تیز بر ریش مادح و ممدوح (صدرضیاء ۱۳۸۰: ۱۲۱).

۹. اصل ماجرا از نوشته شرعی: «از جمله مصنفات مدونه کامله‌اش یکی *نوادرالوقایع* نام کتابی است که اکثر ابواب اخلاق و فنون حکمی و محاضرات را مناسب مقام بسط و تشریح [کرده] و زیبا نموده و داد فرزاندگی و سخنوری را در آنجا داده است... ناظر در بادی‌النظر از پای درآمده و از جای رفته، متحیر می‌گردد و لهذا در افواه خاص [و] عام که در عالم تحقیق قدم نهاده‌اند، مشهور به ابطال الحقوق و العقوق شد» (شرعی، ۲۰۱۵: ۵۵).

۱۰. این غزل در تتبع غزل راقم الحروف به طرز استاد عارف [؟] برجسته و مطبوع گفته (۲۰۱۵: حاشیه ص ۹۳).

۱۱. تنها در مقدمه یک غزل عبارت «غزلی که بر تتبع قصیده راقم الحروف به روش مسط... در بحر هزج مثنی مقبوض گفته» (ص ۸۸) و حاشیه غزل دیگر عبارت «این غزل در تتبع غزل راقم الحروف به طرز استاد عارف [؟] برجسته و مطبوع گفته» دیده می‌شود؛ بنابراین عبارت «یک چند غزل» نادرست می‌نماید.

۱۲. حدیث در متن تذکره به شکل زیر ثبت شده است: «أربعٌ من أمّی من أمر الجاهلیة: الفخر فی الأخصاب والطعن فی الأنساب والاستسقاء بالنجوم والبیاحة».

۱۳. شاهین در منابع هم‌زمان با شرعی و متأخرتر با پشوند بخارایی شناخته می‌شود. اجداد وی از ختلان تاجیکستان کنونی بودند که به بخارا کوچیده بودند. به زادگاه این شاعر یا اجدادش در تذکره اشاره نشده است.

۱۴. این عدد نادرست است. شرعی با توجه به در اختیار داشتن تحریر مختصر از تذکره واضح این عدد را ثبت کرده است. شمار شاعران تذکره کامل واضح صد و چهل و هشت (۱۴۸) شاعر است (واضح: ۱۹۷۷: ۲۱۴-۹).

کتاب نامه

- افضل مخدوم پیرمستی (۱۳۳۶ق). « افضل التذکار فی ذکر الشعراء و الاشعار » در حاشیة باغ ارم. تاشکند: بی نا. (چاپ سنگی)
- حشمت، محمدصدیق توره (تاریخ شروع تألیف ۱۳۱۲ق/۱۸۹۴-۱۸۹۵م و تکمیل آن در سال‌های بعد). *تذکره الشعراء*. ۲جلد، نسخه خطی شماره ۲۷۲۸ (ج یکم). مخزن نسخ خطی ابوریحان بیرونی. تاشکند: ازبکستان.
- خدایار، ابراهیم (۱۳۸۴). *از سمرقند چو قند: گزینۀ شعر معاصر فارسی تاجیکی ازبکستان*. تهران: اشاره و مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس.
- دادبه، اصغر و میرزا ملا احمد (۱۳۸۵). «تذکره نویسی در ماوراءالنهر و افغانستان» در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۴. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ۷۲۶-۷۲۲.
- زهیر، عبدالرزاق (۱۳۵۲). «تذکره نگاری در ادب دری». *ادب [دانشگاه کابل]*. س ۲۱. ش ۲. ۷۵-۸۷.
- سلیمی بخارایی، میرزا سلیم بیک اناق (۱۳۳۲ق). *ذیل سلیمی بر تحفه الاحباب فی تذکره الاصحاب مع تاریخ کثیره و مجموعه سلیمی*. تاشکند: عارف حسن جان اف. (چاپ سنگی)
- شرعی، حاجی عبدالعظیم (۲۰۱۵م). *تذکره الشعراء*. مطلوبه خواجه اوا و الهام ایشان قل اف. خجند: خراسان - مدیا. (فارسی و تاجیکی)
- شفیعیون، سعید (۱۳۹۳)، «گذری دیگرگون بر تذکره های ادبی». *فنون ادبی*. س ۶. ش ۲ (پیاپی ۱۱). ۸۵-۱۰۴.
- صدر ضیا، محمدشریف جان مخدوم (۱۳۸۰). *تذکار اشعار: شرح حال برخی از شاعران معاصر تاجیکستان و نمونه هایی از شعر آنان*. متن علمی انتقادی با ضمیمه به اهتمام سحاب الدین صدیق اف. به کوشش محمدجان شکوری بخارایی. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۸۲). *روزنامه صدر ضیا*. تحقیق و پژوهش محمدجان شکوری بخارایی. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- عبدی، عبدالله خواجه (۱۹۸۳م). *تذکره الشعراء*. با تصحیح و مقدمه اصغر جان فدا. زیر نظر سحاب الدین صدیق اف. دوشنبه: دانش.
- عینی، صدرالدین (۱۹۲۶م). *نمونه ادبیات تاجیک*. مسکو: نشریات مرکزی خلق جماهیر شوروی سوسیالیستی.
- کوتی، سپیده، (۱۳۸۰)، «تذکره نویسی فارسی در آسیای میانه» در *دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه*، به سرپرستی حسن انوشه، ج ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۸۶-۲۹۲.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره های فارسی*. ج ۱. چ ۲. تهران: کتابخانه سنایی.

۱۴۴ بررسی انتقادی تذکره شرعی و تبیین اهمیت آن در تاریخ ادب فارسی در ماوراءالنهر

محترم، حاجی نعمت‌الله (۱۹۷۵م). *تذکره الشعراء*. با تصحیح و مقدمه اصغر جان‌فدا. زیر نظر کمال عینی. دوشنبه: دانش.

مسلمانان قبادیانی، رحیم (۱۳۸۰). «تذکره شرعی» در *دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه*. به سرپرستی حسن انوشه. ج ۱. و ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۵۵۳-۵۵۴.

مسعودی، عبدالله (۱۳۸۵). «تذکره نویسی» در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۴. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. صص ۷۱۶-۷۱۹.

میرزایف، عبدالغنی (۱۳۴۵). *منابع ادبی در حدود دوره‌های شانزده و اوایل بیست و اهمیت آن*. مهر. س ۱۲. ش ۸. ۵۵۵-۵۶۱.

واضح، قاری رحمت‌الله (۱۹۷۷م). *تحفه الاحباب فی تذکره‌الاصحاب*. با مقدمه و تصحیح اصغر جان‌فدا. زیر نظر عبدالغنی میرزایف. دوشنبه: دانش.

Ҳабибов [Абибов], А. (1991), *Ганҷи Зарафшон*, Душанбе, Адиб, [In Tajik].

Ҳодизода, Расул (1968), *Адавиёти Тоҷик дар Нимаи Дуввӯми Асри XIX*. Қ.1, Душанбе, Дониш, [In Tajik].

Чалилова, М. (2004). «Шврӣ» дар *Энциклопедияи Адабиёт ва Санъати Тоҷик*. Сармуҳаррир А.К. Курбонов. Ҷилди 3-ӯм. Душанбе: Сарредакцияи Илмии Энциклопедияи Миллии Тоҷик. С.354. [In Tajik].